

یادداشت

چرا تراکتورسازی باخت؟

فرصت‌های بی‌شمار سرزن‌های آموزش‌ندیده



سعید حقیقی‌فر
کارشناس فوتبال

باخت سه‌بره‌یج تراکتورسازی رانمی‌دانم چگونه باید توجیه کرد. صحبت از مالکیت توپ کردن و تعداد موقعیت‌های دو تیم کردن خطاست.

شاید برد با کمترین هزینه و انرژی تفسیر بهتری از برد الغرافه بود. اما به هدر دادن فرصت‌های بی‌شمار تراکتور را تازه به دوران رسیده‌های فوتبال ممکن است به شانس و اقبال و تقدیر و... نسبت دهند و گاه مجریان و مفسران تلویزیونی که با رابطه‌های آنجانی مشغول به کار هستند نیز به لحاظ دانش کم از فوتبال، از چنین دریچه‌هایی به توجیه باخت تراکتور می‌پردازند. اما این گونه نیست. کار آموزش فوتبال در باشگاه‌ها به شدت نازل شده است.

مربیان روش‌های آموزش مهارت‌های فردی را نمی‌دانند. مهارت سرزدن یکی از مهم‌ترین مهارت‌های فوتبالی است. آموزش کلاسیک سرزدن از هفت، هشت سالگی با لمس توپ با سر آغاز می‌شود و با ارتفاع و فاصله یک وجب به فاصله پنجاه متر و ارتفاع‌های مختلف پیشرفت می‌یابد؛ از تمرینات ساده به مشکل. در تمرینات تیم‌های پایه یک روز در هفته تمرینات باید به سرزنی اختصاص داشته باشد.

در بازی امروز تنها در ۱۵ دقیقه پایانی بازی چهار موقعیت صددرصد گل به لحاظ عدم آشنایی در تن از بازیکنان تراکتور به مهارت سرزدن از دست رفت. مربی ترک‌تبار تراکتور به خوبی متوجه ضعف سرزنی مدافعین وسط الغرافه و دفاع‌های کناری این تیم جهت جلوگیری از ارسال‌ها شده بود و بارها و بارها شرایط ارسال به‌خوبی فراهم شد، اما مشکل اصلی، سرزن‌های خود تراکتور بودند. مطمئن باشید کسی به اسماعیلی و آزادی تمرین سرزدن روی خط دروازه را آموزش نداده است. آنها حتی سرزدن با کمک از نیروی چرخشی کمتر را هم نمی‌دانستند. تنها توپ با سر آنها برخورد می‌کرد و هیچ نیرویی از طریق آنان به توپ وارد نمی‌شد. به همین لحاظ انتظار پیروزی در مسابقاتی در این سطح با این ضعف‌های مهارتی ابتدایی و بازیکنان مبتدی امری دور از ذهن است. چرخه تربیت بازیکنان حرفه‌ای در ایران به بن‌بست رسیده است. بازیکن حرفه‌ای دارای شاخصه‌هایی است که از نگاه یک کارشناس فوتبالی بسیار مشهود است. متأسفانه نداشتن این مهارت‌ها در رقابت با همتایان ایرانی از دید مربیانی که شناختی از علم یادگیری مهارت‌ها ندارند سخت و ناشناخته است. این زوایای تاریک و مخفی از فوتبال‌مان در دیدارهای بین‌المللی خود را به نمایش می‌گذارند که به لحاظ کمیت نازل این دیدارها و توجیه ناصواب و غیرعلمی عوامل رسانه‌ها و توجیه غیرعلمی باخت‌ها، با چراغ خاموش به رده‌های پایینی از فوتبال باشگاهی در آسیا نزول می‌کنیم.

دانشگاه

علی یعقوبیان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شاید فصل بعد تیمداری نکنیم!



امیرمحمد اعلیایی
روزنامه‌نگار

درخشش رشته شمشیربازی در سال‌های اخیر سبب شده این رشته برای مخاطبان و علاقه‌مندان ورزش اهمیت بیشتری پیدا کند. از سوی دیگر دانشگاه آزاد از سازمان‌هایی است که مدت‌هاست در رشته شمشیربازی تیمداری می‌کند و در این زمینه از پیشگامان به حساب می‌آید. به همین دلیل با سرمربی بخش ایه شمشیربازی تیم دانشگاه آزاد اسلامی گفت وگویی کوتاهی داشتیم که با هم می‌خوانیم.

کمی در مورد وضعیت تیم صحبت کنید.

امسال شرایط خوبی را سپری می‌کنیم و اگر مشکلی پیش نیاید تیم ما قهرمان می‌شود. درکل تیم ما در مسابقات امسال ترکیبی از بازیکنان جوان و باتجربه است که به خوبی از عهده کار بر آمده‌اند. تیم دانشگاه آزاد سه دوره به مسابقات تایلند رفته که در دو دوره مقام قهرمانی را مال خود کرده‌ایم. تیم ما در مسابقات برون مرزی هم تیم دست و پا بسته و بی افتخاری نیست.

کیفیت لیگ این دوره را چطور ارزیابی می‌کنید؟

لیگ امسال به طور کمی و کیفی در سطح بهتری از سال‌های گذشته برگزار شده و تیم ما هم در لیگ شرایط خوبی را پشت سر می‌گذارد. آخر اسفند در بازی حساس و فینال‌گونه‌ای که با تیم بیمه معلم داریم، تکلیف قهرمان مشخص می‌شود. تیم دانشگاه آزاد تیم پرافتخاری در این رقابت‌ها به شمار می‌آید و چهار سال سابقه قهرمانی دارد و امیدواریم امسال هم این عنوان را دوباره کسب کنیم.

برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته به چه صورت است؟

برنامه‌ریزی‌ها از جانب من فصل به فصل صورت می‌گیرد و تمرکز من هنوز روی فصل جاری است و به احتمال زیاد سال دیگر تیم دانشگاه آزاد به دلیل کمبود بودجه منحل شود. پس برنامه خاصی برای آینده ندارم و به دلایلی که گفته شد اعزام ما به مسابقات جهانی دانشجویان هم کنسل شد. این راهم اضافه کنم که امکاناتی که در اختیار داریم راضی‌کننده است. زمان دکتر دادگان شرایط بسیار خوبی را سپری می‌کردیم و امسال هم شرایط خوب است و در حال حاضر همه کارها روی نظم انجام می‌شود. امیدوارم برای سال آینده شاهد تیمداری دانشگاه آزاد و حضور قدرتمندانه‌اش در مسابقات لیگ باشیم. دانشگاه آزاد از برنده‌های خوب و برتر شمشیربازی است و فقدانش به این رشته آسیب می‌زند.

درباره یک روند جدید مربیگری در ایران

بی‌اعتمادی به مربیان داخلی



مانده‌اند و کارنامه سال‌های اخیرشان چندان درخشان نیست. فوتبال ایران هنوز آغوشش را برای کسانی چون وحید هاشمیان، مهدی مهدوی کیا، محمد تقوی و داریوش بزدانی و حتی حسین عبدی باز نکرده است. کسانی که مدارج علمی را مرحله به مرحله و با وسواس طی کرده‌اند و شاید بتوانند به احیای برند مربی ایرانی کمک کنند. تا آن زمان احتمالاً باشگاه‌های بیشتری سکان هدایت تیم‌هایشان را به مربیان خارجی خواهند سپرد.

ایرانی کفایت علمی لازم برای موفقیت‌های بزرگ در آسیا را ندارند.

هنوز هم بهترین مربیان داخلی قلعه‌نویی و دایی هستند، کسانی که حواشی بسیاری دارند و درباره دانش فنی‌شان تردیدهای جدی وجود دارد. در این میان نسلی که گمان می‌رفت می‌تواند اعتبار جدیدی برای مربیان ایرانی باشد با ناکامی مواجه شد. علیرضا منصوریان و یحیی گل محمدی مهم‌ترین نماینده‌های نسل جدید بودند که امروز بدون تیم

گزینه خارجی بگذارند. این آخر واقعا کسی نمانده بود که از مربی داخلی صحبت کند. البته دیدن موفقیت‌های برانکو در پرسپولیس هم در مطلوبیت گزینه خارجی بی‌تاثیر نبود. حالا استقلال با شفر دوره بازسازی را طی می‌کند و همه کم و بیش از این انتخاب راضی هستند؛ با رفتن شفر هم احتمالاً باز گزینه مطلوب، خارجی خواهد بود. در تراکتورسازی، تیمی با هواداران بسیار و جاه‌طلبی‌های بیشتر، حضور چندساله مربیان داخلی و البته هزینه‌های فراوان، تنها با یک جام حذفی همراه بوده است. کمالوند، خطیبی، قلعه‌نویی و گل محمدی در فوتبال ایران سرشناسند، اما هیچ کدام تراکتور را به اهدافش نرساندند. آنها نیز سرانجام روی آوردند به گزینه خارجی.

سپاهان فعلاً از این قاعده مستثنی است، آنها پس از ناکامی عجیب کرانچار سراغ ابراهیم زاده رفتند، اما نباید فراموش کرد که این انتخاب، انتخابی از روی اجبار بود و در شرایطی صورت گرفت که اوضاع بسیار بحرانی بود. بعید نیست با فروکش کردن بحران، سپاهان دوباره سراغ مربیان خارجی برود. حتی برخی از تیم‌های جاه‌طلب لیگ یک هم مربی خارجی دارند. در تیم ملی هم فعلاً کی‌روش حاکم است و با رفتن او هم احتمالاً کسی خیلی به گزینه داخلی فکر نکند. همه اینها از یک روند خبر می‌دهد. مساله این است که اعتبار مربیان داخلی خدشه‌دار شده است. این بحران به‌خصوص در بازی‌های آسیایی بیشتر خودش را نشان داده است، جایی که احساس می‌شود مربیان



محمد هدایتی
روزنامه‌نگار

سه تیم پرتعداد ایران یعنی پرسپولیس، استقلال و تراکتورسازی را مربیان خارجی هدایت می‌کنند. این شاید برای نخستین بار باشد که این وضعیت پیش آمده است. در هر سه مورد، پس از آزمون مربیان داخلی بسیار، گویا چاره‌ای جز استخدام مربی خارجی نبود. پرسپولیس ۱۰ سال از قهرمانی دور ماند، آنها حمید استیلی، علی دایی، حمید درخشان و یحیی گل محمدی را آزمون کردند. هیچ کدام چاره پرسپولیس به نظر نمی‌رسید. تیم آشکارا سیری نزولی را طی می‌کرد. این وسط البته یکی دو مربی خارجی هم آمدند اما در جو آشفته باشگاه کاری از پیش نبردند. استخدام برانکو نقطه تعیین‌کننده در پرسپولیس بود. برانکو تیم را از نو ساخت و روح پیروزی را بازگرداند. آنها چندسالی است که با برانکو به تیم اول ایران بدل شده‌اند و بعید است تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی به کسی غیر از او یا مربی خارجی هم‌تراز با او فکر کنند. تصور اینکه یکی از مربیان داخلی دوباره نیمکت پرسپولیس را در سال‌های نزدیک تصاحب کند سخت است. در استقلال پس از سال‌های درخشان امیر قلعه‌نویی در نیمه دهه ۸۰، دست‌انورد چندانی حاصل نشد. خود قلعه‌نویی دو سال ناکام ماند، پیش و پس از او مظلومی دستاوردی نداشت، کار با منصوریان هم به بن‌بست رسید تا همه متفق القول دست روی

یک بام و دوهوا در ورزش ایران

چرا پول کمیته المپیک پرداخت می‌شود، پارالمپیک نه

دست و پنجه نرم می‌کند که کمی بالاتر، یعنی در کمیته المپیک شرایط در هفته‌های اخیر کاملاً مساعد شده است. این کمیته پس از حضور سیدرضا صالحی امیری توانست صددرصد بودجه‌اش را از سازمان برنامه و بودجه دریافت کند؛ اتفاقی که در سال‌های گذشته هرگز رخ نداده بود. همین مساله مسائل و ابهاماتی را در ذهن ایجاد می‌کند که پاسخگویی مسئولان به آنها می‌تواند به رفع ابهامات کمک کند. کمیته ملی المپیک چند ماه بعدتر از کمیته پارالمپیک، اساسنامه‌اش را به هیات دولت فرستاد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که اساسنامه کمیته المپیک برخلاف کمیته پارالمپیک هنوز به کمیسیون اجتماعی دولت نرسیده، چه برسد به آنکه بخواید اقدامات بعدی روی آن صورت بگیرد. همچنین ابلاغ اساسنامه این دو نهاد باید با هم انجام شود و این بدان معناست که تا وقتی اساسنامه کمیته المپیک در کمیسیون اجتماعی بررسی نشود و به مرحله بعدی نرود، هیچ ابلاغی از سوی دولت درخصوص اساسنامه کمیته پارالمپیک هم صورت نخواهد گرفت. ابهام اصلی هم همین جاست و در واقع یک بام و دو هوا رخ داده است. چرا کمیته پارالمپیک به دلیل تایید نشدن اساسنامه‌اش دیگر قادر به دریافت بودجه نیست، اما کمیته المپیک به‌راحتی می‌تواند بودجه‌اش را به صورت کامل دریافت کند؟ در واقع براساس چه معیار و قانونی در ۶ ماه اول سال ۹۶ بودجه پارالمپیک بدون مشکل پرداخت می‌شد، اما به یکباره دیوان محاسبات موضوع نداشتن اساسنامه را به میان کشید؟

«وعده‌های تو خالی مسئولان برای حل مشکل

برخی از مسئولان نسبت به این موضوع واکنش نشان داده‌اند که از جمله آنها می‌توان به محمدرضا داورزنی، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان اشاره کرد. وی در پایان مجمع فوق‌العاده کمیته ملی پارالمپیک که روز ۱۵ بهمن برگزار شد، درخصوص عدم پرداخت بودجه این کمیته به بهانه تصویب نشدن اساسنامه‌اش عنوان کرد: «دوستان این موضوع را پیگیری می‌کنند تا راه‌حلی پیدا کنند. ما نیز کمک خواهیم کرد تا مشکلی پیش نیاید، البته آنچه در این خصوص پیش‌بینی شده به کمیته پارالمپیک داده خواهد شد.»

با وجود این اظهارنظر رسمی، هنوز هیچ اتفاقی درباره بودجه پارالمپیک رخ نداده است.

«جلسات بی‌نتیجه روز یکشنبه

روز گذشته جلسه‌ای در همین باره در مجلس شورای اسلامی برگزار شد؛ جلسه‌ای که نمایندگان کمیته پارالمپیک و دیوان محاسبات در آن حضور داشتند، اما خبری از نماینده سازمان برنامه و بودجه نبود. مسئولان کمیته پارالمپیک امیدواری زیادی به نتایج این جلسه داشتند، اما اتفاقی رخ نداد و تغییری در شرایط صورت نگرفت. قرار است فردا (چهارشنبه) پیگیری‌های دیگری در مجلس صورت بگیرد تا شاید بالاخره گره این مشکل باز شود.

قطع شدن بودجه کمیته ملی پارالمپیک در حالی انجام شده که این کمیته با مشکلات مالی در فاصله کمی تا بازی‌های پارآسیایی ۲۰۱۸ و برگزاری اردوها مواجه است.

به گزارش «تسنیم»، داستان عدم پرداخت بودجه کمیته ملی پارالمپیک، مساله‌ای است که این کمیته در چند ماه اخیر با آن مواجه شده و البته مسئولان تاکنون هیچ راهی برای حل این مشکل پیدا نکرده‌اند.

«آغاز ماجرا از طرح انتزاع

ماجرای کمیته پارالمپیک و انتزاع آن از کمیته المپیک به سال گذشته بازمی‌گردد. بعد از اینکه مراحل قانونی طرح انتزاع در مجلس شورای اسلامی طی شد و رئیس‌جمهور نیز آن را ابلاغ کرد، کمیته پارالمپیک برنامه سال ۹۷ را به سازمان برنامه و بودجه ارائه و این سازمان نیز اعلام کرد که ردیف بودجه به کمیته ملی پارالمپیک تخصیص داده شده و بودجه این نهاد در سال برای سال ۹۷ به صورت مستقل تخصیص داده می‌شود. در این میان اساسنامه کمیته پارالمپیک سه ماه پس از تصویب قانون انتزاع، روز ۱۵ دی ماه ۹۶ به هیات دولت ارسال شد و اقدامات لازم‌روی آن صورت گرفت تا این نهاد همه امور لازم را برای تایید اساسنامه جدید انجام داده باشد.

«وقتی بودجه قطع می‌شود

روند واریز بودجه کمیته پارالمپیک در ۶ ماه نخست امسال بدون مشکل انجام شد، اما به یکباره ورق برگشت تا شرایط نامساعد شود.

این نهاد در مهر و آبان بخشی از بودجه خود را دریافت کرد و از آذر ماه به بعد بود که بودجه به‌طور کامل قطع شد؛ اتفاقی که تعطیلی اردوی تیم‌های مختلف این حوزه در فاصله کمتر از یک سال مانده به بازی‌های پارآسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا و اعتراض چهره‌های سرشناسی همچون ساره جوانمردی و زهرا نعمتی، طلایی‌های پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو را به دنبال داشت.

«چرا بودجه قطع شد؟

مسائل مختلفی درخصوص شکل‌گیری این وضعیت مطرح می‌شود، اما آنچه می‌توان به آن استناد کرد، صحبت‌های یک ماه قبل دبیرکل کمیته ملی پارالمپیک است. مسعود اشرفی روز ۲۷ دی در این باره گفته بود: «بعد از پیگیری‌های متعدد متوجه شدیم که دیوان محاسبات به دلیل نداشتن اساسنامه و مشخص نبودن صاحبان امضا، بودجه کمیته ملی پارالمپیک را قطع کرده است. به چه دلیل نهاد عمومی غیردولتی که فعالیت آن از طریق مجلس تایید شده است و سازمان برنامه و بودجه به آن بودجه تخصیص داده و در حالی که بودجه هشت ماه سال را دریافت کرده با این نامه مواجه می‌شود که چون اساسنامه ندارید نمی‌توانید بودجه دریافت کنید؟ اگر بودجه نداشتیم پس این برنامه طبق چه قانونی انجام شده است؟»

«شرایط نابرابر در ساختمان سنول و لزوم پاسخ به یک ابهام

کمیته پارالمپیک در حالی با مشکلات مالی در ماه‌های اخیر

تصویرنما



دیدار دوستانه تیم ملی فوتبال بانوان ایران و روسیه



مسابقات تفنگ بادی میکس قهرمانی کشور



دیدار تیم‌های والیبال بانوان پیکان و سالوت